

خدا هم شریک ندارد. صفات سلبی و ثبوتی

اما خداوند در مذهب تشیع منزّه تر از این است که همانند انسان ها و مخلوقات تصویر شود و در ذات و صفات وجودی خود به بشر شباهت داشته باشد. از نظر شیعه خداوند همانگونه که در قرآن آمده است، هیچ شبیه و نظیری ندارد "لیس کمثله شیئ" و به هیچ چیزی احتیاج ندارد "انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید" منشا همه این اشتباهات قایل شدن جسم برای خدا است زیرا وقتی ما برای خدا جسم قایل شدیم او همانگونه که به مکان نیاز خواهد داشت به اعضای چون دست و پا و گوش و چشم و غیره احتیاج خواهد داشت همانطوری که اگر جسم داشته باشد شبیه مخلوقاتش خواهد شد

شیعه خداوند را از جسم داشتن که سرمنشا بسیاری از تصورات نابجا در مورد خداوند و مستلزم شبیه شدن خداوند به مخلوقات است، منزّه می داند و خداوند را بالاتر از این می داند که به این صفات متصف گردد.

این بخاطر جهل و محدودی

ت گستره معلومات انسان ها است که فکر می کند خداوند هم مانند انسان ها جسم دارد چون او در این جهان هرچه مشاهده می کند جسم است و حجم و بنابر این نمی تواند موجودی را که واجد این صفات نباشد، درک کند. همانگونه که یک مورچه بخاطر محدودیت ادراکی خود تصویری که از خدا خواهد داشت، کاملاً شبیه یک مورچه خواهد بود و تنها فرق خدای او با خودش شاخ های بسیار بلند و نیرومند خدای او است و چون شاخ برای مورچه اهمیت بسیار فوق العاده دارد، برای او غیر قابل تصور است که خدا شاخ نداشته باشد. اما انسان ها که درکش بیشتر از مورچه است به این تصور مورچه از خدا می خندند اما بعضی از ما انسان ها خود گرفتار همان خطای مورچه ها می شویم خدای خود را شبیه خودمان به تصویر می کشیم.

شیعیان صفات خداوند را به دوگونه تقسیم می کنند :

۱- صفات ثبوتی : یعنی صفاتی که خداوند آن ها را دارا است .

۲- صفات سلبی : یعنی صفاتی که خداوند آن ها را ندارد و خداوند از آن صفات منزّه است صفات ثبوتی

این صفات را شیعیان به این نحو در شعر آورده اند :

قادر و عالم حی است مرید و مدرک پس قدیم ازلی دان متکلم صادق

پس بر اساس این شعر صفاتی که خداوند دارا هست عبارتند :

۱- قادر : یعنی خداوند بر هر کاری توانا است .

۲- عالم : یعنی خداوند آگاه است و کارهایش از روی علم و حکمت است .

۳- حی : یعنی خداوند زنده است .

۴- مرید : یعنی خداوند دارای اراده می باشد و کارهایش از روی اراده صورت می گیرد .

۵- مدرک : یعنی خداوند موجودی دارای درک و شعور است .

۶- قدیم ازلی : یعنی خدای تعالی همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود . هیچ زمانی نبوده که خدا وجود نداشته باشد و هیچ زمانی نخواهد بود که خدا وجود نداشته باشد .

۸- متکلم : یعنی خدای سبحان سخن می گوید . اگرچه سخن گفتن خدا مانند ما انسان ها بواسطه عضو جسمی نیست .

۹- صادق : یعنی خداوند که سخن می گوید راستگو هست و وعده ها و وعید هایش حق می باشد . صفات سلبی :

نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل*** لاشریک است و معانی تو غنی دان خالق پس صفات سلبی از این قرارند :

۱- مرکب : یعنی خداوند مانند ما انسان ها از اعضای جسمی مانند دست ، پا ، گوش ، دهان و ... مرکب نشده است .

۲- جسم : یعنی خداوند مانند مخلوقات جسم نیست . چون جسمیت محدودیت آور است و محدودیت با خدایی منافات دارد .

۳- مرئی : یعنی خداوند دیدنی نیست . چون خداوند جسم نیست پس با این چشم ها هم قابل رویت نیست و اگر کسی می خواهد خدا را ببیند باید باچشم دل مشاهده کند . خداوند در قرآن فرموده است لن ترانی یا موسی. ۴- محل : یعنی خداوند محل حوادث نیست . مخلوقات محل حوادثند ؛ یکروز متولد می شوند ، یکروز می میرند . یکروز صحت دارند و یکروز هم بیمارند و ... اما خداوند از این حوادث منزّه است .

۵- لاشریک : یعنی خداوند شریک و مانند ندارد . کسی در کار خدایی با وی شریک نیست .

۶- معانی : یعنی خداوند مانند لفظ و معنی نیست . لفظ غیر از معنا است همانگونه که صفات انسان غیر از خود او است و عارض بر او است . مثلاً اگر انسانی عالم است عارضی است و غیر از وجود او است . اما خداوند صفاتش عین ذات او است و بین ذات و صفاتش جدایی نیست .

۷- غنی : یعنی خداوند فقیر نیست . فقر در خداوند وجود ندارد . چون اینجا شعر درست نمی آمده شاعر نتوانسته فقر را بکار بر د و معنای ثبوتی را آورده است .